

بُرش

مارک ریون هیل

ترجمه

حمید دشتی



نشر کردن

صحنه اول

یک اتاق، یک میز. پل و جان.

پل بازرسی بدنی شدین؟

جان بله، من رو گشتن.

پل هیچ خشونت بی‌موردی هم وجود داشت؟

جان نه، نه، من اسمش رو خشونت بی‌مورد نمی‌ذارم.

پل چون لازمه که هرگونه رفتار بی‌موردی رو... دارم یه سری

مدارک جمع‌آوری می‌کنم. آدم‌های زیادی مشتاق خوندنش.

جان متوجه‌ام.

پل حزب قبلی هیچ حساسیتی نسبت به خشونت بی‌مورد

نداشت. نادیده می‌گرفتنش. یادتون میاد؟

جان بله.

پل اما ما می‌خوایم جور دیگه‌ای عمل کنیم. می‌خوایم زیر ذره‌بین

ببریمش... حواسمون حساسی بهش هست، به خشونت...

جان بله.

پل اما به آمار و ارقام احتیاج داریم، پس آگه از هر طریقی که

شده می‌تونن...

جان نه، نه.

پل باید بهم بگی.

جان نه.

پل ببین، من برای شما درواقع - نمی‌دونم دقیقاً حکم چی رو

دارم - نماد دولت، قدرت، پایداری. خود خدام.

جان خب -

پل اما جدی آگه چیزی هست باید بهم بگین - برای ثبت تو

پرونده سوابق.

جان نه.

پل مطمئنن کاملاً؟

جان مطمئن مطمئن.

پل خب، خوبه. خوبه. خوبه. بهت مُشتی نزدن؟

جان نه.

پل لگد نزدن؟

جان نه.

پل خوبه. خوبه. خوبه.

مکث کوتاه.

(ادامه گشتت؟)

جان بله.

پل کامل؟

جان بله.

پل اما نه جوری که...

جان بله، بله، بله.

پل خوبه. خوبه. خوبه. می‌دونن که چرا باید...؟

جان صدالبته.

پل همین چندوقت پیش به نفر روم اسلحه کشید. جغله حرومزاده

اسلحه کشید و من رو هدف گرفت.

جان لعنتی.

پل و شلیک کرد.

جان لعنتی.

پل واقعاً گلوله رو دیدم که از اسلحه بیرون اومد. دیدم داره میاد

سمتم و جاخالی دادم، دقیقاً به موقع.

جان لعنتی.

پل برای همین، همون جوری که تصور می‌کنی دمار از روزگارشون

درآوردم. «نگهبان؟ نگهبان؟ گذاشتی یه ریغو با اسلحه بیاد تو

و اسم خودتم گذاشتی نگهبان؟» باید برای عملکرد بهتر هدف

جدیدی مشخص می‌کردیم. خیلی دقیق و بدون هیچ خشونت

بی‌موردی. با توجه به این شاخص عملکرد، به نظرت اونا

چطور عمل کردن؟

جان خب...

پل عالی؟ خیلی خوب؟ خوب؟ متوسط؟ ضعیف؟

جان خیلی خوب.